

ابوالحسن صبا

یکی از هنرمندان بزرگ ایران که خدمت مهمی به عالم هنر کرده است، ابوالحسن صبا می باشد که از خانواده ای هنرمند بود و پدر و پدربزرگ و جدش نیز از هنرمندان زمان بودند و شاگردان زیادی در کشور ما تربیت کرده اند. ابوالحسن صبا فرزند دکتر ابوالقاسم کمال السلطنه فرزند جعفرخان حکیم باشی معروف به صدرالحکماء و از نواده های فتحعلی خان صبا ملک الشعرای دربار قاجار بوده است. ابوالحسن صبا در سال ۱۲۸۱ خورشیدی در خانواده ای تولد یافت که اهل هنر و ادبیات و طبابت بودند. به علت تسلط پدر صبا به ادبیات فارسی و عربی به او لقب کمال السلطنه را دادند. مادر صبا نقل کرده است که ابوالحسن از بچگی لب ایوان می نشست و چند تار به انگشت خود می بست و با دهان صدای سازهای مختلف را در می آورد. کمال السلطنه پسر دیگری داشت به نام عبدالحسین و سه دختر داشت که همه هنرمند و دلبسته به موسیقی بودند. با این که برادرش عضو وزارت خارجه بود و صاحب مقاماتی شد ولی به کار هنری ادامه میداد. دکتر گلشن ابراهیمی می نویسد: ابوالحسن صبا تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمیه و سپس در کالج آمریکایی به پایان رسانید و به زبان و ادبیات فارسی و انگلیسی آشنایی یافت. ابوالحسن صبا در سال ۱۳۰۸ به مدیریت مدرسه صنایع ظریفه رشت منصوب شد و شاگردان زیادی تربیت کرد. با تمام علاقه ای که به مردم گیلان داشت به علت آب و هوای گیلان که برایش مساعد نبود به تهران آمد و خانه موروثی خود را در کوچه ظهیر الاسلام برای تدریس موسیقی در نظر گرفت که بعداً به (موزه صبا) تبدیل شد. ابوالحسن صبا قبل از فوتش در مصاحبه ای گفت، تا کنون سه هزار تن را تعلیم داده است. از بدشاندازی موسیقیدانان ایران و دوستداران هنر، ابوالحسن صبا خیلی زود از جهان رفت و در تاریخ ۲۹ آذر سال ۱۳۳۶ چراغ عمرش خاموش شد و دوستان و علاقمندان بیشمار خود را دچار حرمان ابدی نمود.

ابوالحسن صبا درباره فراگرفتن موسیقی چنین می گوید:

پدرم علاقه مفراطی به موسیقی داشت، یعنی خودش هم آشنا به ساز ایرانی بود و از کودکی یعنی از شش سالگی مرا نزد اساتید وقت راهنمایی کرده بود. قبل از این که شروع به مشق ویلن بکنم با سازهای ایرانی از قبیل سه تار، تار، سنتور و ضرب آشنا شدم، حتی قدری هم کمانچه زدم. بعداً اطلاعات خودم را به ویولون منتقل کردم و تقریباً یک مکتب خصوصی برای ویولن ایجاد شد و کتابهایی در این خصوص نوشته و انتشار دادم. صبا از کودکی در نواختن انواع سازهای اصیل ایرانی مهارت داشت،

اما شگفتی هنر او را باید از زمان تأسیس مدرسه عالی موسیقی دانست که در سال ۱۳۰۲ به همت استاد علینقی وزیر و با یاری سردار سپه در تهران آغاز به کار کرد. تأسیس این مدرسه میدانی برای عرضه مهارت و نبوغ او بود.

وقتی ابوالحسن صبا درگذشت، شهریار شاعر مشهور درباره او چنین سرود:

ای صبا با تو چه گفتند که خاموش شدی؟	چه شرابی به تو دادند که مدهوش شدی؟
تو که آتشکده عشق و محبت بودی	چه بلا رفت که خاکستر خاموش شدی؟
به چه دستی زدی آن ساز شبانگاهی را	که خو از رقت آن بیخود و بیهوش شدی؟
تو بصد نغمه، زبان بودی و دلها هم گوش	چه شنفتی که زبان بستی و خود گوش شدی؟
خلق را گر چه وفا نیست و لیکن گل من	نه گمان دار که رفتی و فراموش شدی؟
تا ابد خاطر ما خونی و رنگین از تست	تو هم آمیخته با خون سیاوش شدی؟